

یادداشت مترجم

پل استر در ۱۹۴۷ میلادی در نیویورک از پدر و مادری یهودی و لهستانی از طبقه متوسط به دنیا آمد. در نیوجرسی درس خواند و از دانشگاه کلمبیا فارغ التحصیل شد. در ۱۹۷۰ به فرانسه رفت و مقیم پاریس شد و از راه ترجمه ادبیات فرانسه روزگار گذراند. پس از بازگشت به ایالات متحد در ۱۹۷۴ شعر، مقاله و رمان‌هایی از خود و ترجمه‌هایی از فرانسوی‌هایی نظیر استفان مالارمه و ژوزف ژوبر منتشر کرد. در ۱۹۸۱ نیز با همسر کنونی‌اش (همسر دوم) سیری هوستوت ازدواج کرد.

پس از نخستین کار مهمش، ابداع انزوا، رشته‌ای رمان شبه کارآگاهی که کمابیش به هم پیوسته بودند، به نام سه گانه نیویورک (شهر شیشه‌یی، ۱۹۸۵، ارواح، ۱۹۸۶، در بسته ۱۹۸۶) را نوشت و با آن‌ها به شهرت رسید. این رمان‌ها داستان‌های قراردادی کارآگاهی نیست که حول محور رازی بگردد و رشته‌ای سرخ در آن به دست بیاید. بلکه او از فرم کارآگاهی برای مطرح کردن مباحث وجودی (اگزیستانسیال) و پرسش‌های مربوط به هویت، مکانیت، زبان و ادبیات بهره گرفته و در روند آن فرم پسامدرن (و انتقادش بر پسامدرنیسم) متمایز خود را ساخته است.

جستجوی هویت و معنای شخصی بر اغلب آثار اخیرِ استر حاکم است که بسیاریشان سخت بر نقش تصادف و حوادث اتفاقی تأکید می‌کنند (موسیقی شانس، ۱۹۹۰) یا به طرزی فزاینده بر روابط بین مردان و اقران آن‌ها و محیط (کتاب اوهام، ۲۰۰۲، مون پالاس، ۱۹۸۹) انگشت می‌گذارند. قهرمان استر اغلب خود را در توطئه اسرارآمیز و عظیم کس دیگری درگیر می‌بیند. کارهای دیگر استر عبارتند از: در کشور آخرین‌ها، ۱۹۸۷؛ هیولا، ۱۹۹۲؛ آقای سرگیجه، ۱۹۹۴؛ تیمبوتو، ۱۹۹۹؛ شب غیبگو، ۲۰۰۴؛ حماقت‌های بروکلین، ۲۰۰۵؛ سفر در اتاق نسخه برداری، ۲۰۰۷؛ به اضافه پنج فیلمنامه، سه مجموعه مقاله، سه مجموعه شعر و شش ترجمه.

عناصر قوی نوشته‌های استر عبارتند از روانکاوی ژاک لاکان و تعالی‌گرایی آمریکایی اوایل قرن نوزدهم میلادی، که مهم‌ترین پیروانش ناثنیل هاوثورن، رالف والدو امرسون و هنری دیوید ثورو بودند. نظریهٔ لاکان به اختصار می‌گوید که ما از راه کلمات وارد جهان می‌شویم. ما جهان را از راه حواسمان مشاهده می‌کنیم، اما جهانی که حس می‌کنیم از طریق زبان در ذهن ما ساخته (اندیشیده) می‌شود. بنابراین ناخودآگاه ما نیز مانند زبان ساخته می‌شود، اما احساس فقدان را هم داریم. فقدان حس وجود است بیرون از زبان. جهان فقط می‌تواند از طریق زبان ساخته شود، اما همیشه چیزی را برملا می‌کند، چیزی که نه می‌توان بیانش کرد و نه بدان اندیشید، فقط می‌توان احساسش کرد. همین را می‌توان یکی از درونمایه‌های اصلی نوشته‌های پل استر دانست. لاکان را یکی از برجسته‌ترین چهره‌های پسا ساختارگرایی فرانسوی می‌دانند. تأثیر بسیار شدید دیگر فیلسوفان پسا ساختارگرا، نظیر ژاک دریدا، ژان بودریار و میشل دو سر تو در تمام آثار استر دیده می‌شود.

و اما تعالی‌گرایان معتقدند که نظم نمادین تمدن، ما را از نظم طبیعی جهان جدا کرده است. با پناه بردن به طبیعت - مثل ثور و در داستان بلند والدن - بازگشت به نظم طبیعی ممکن خواهد شد. عامل مشترک در هر دوی این عقاید، مسئلهٔ معنای نمادها برای انسان است. چهره‌های اصلی استر غالباً نویسنده‌اند که از راه نوشتن به زندگی خود معنا می‌دهند و می‌کوشند جایگاه خود را در نظم طبیعی باز یابند تا بتوانند بار دیگر در تمدن زندگی کنند. ادگار آلن پو و هرمن ملویل نیز تأثیری قوی بر نوشته‌های استر گذاشته‌اند. نه تنها شخصیت‌های داستانی ایشان در آثار استر بار دیگر پدیدار می‌شوند (مثل ویلیام ویلسون در سه گانه نیویورک، یا فنشاو - از قهرمانان هاوثورن - در در بسته و سفر در...) استر برگردان‌های دیگری از درونمایه‌های این نویسندگان را نیز به کار می‌گیرد. در تمام آثار استر تصادف به وفور دیده می‌شود. استر ادعا می‌کند مردم چنان تحت تأثیر داستان‌های پیوسته‌ای هستند که احاطه‌شان کرده که عناصر تصادف، گسستگی و تناقض را در زندگی خود نمی‌بینند: «تباين، تضاد، تناقض از نظر من در رمان‌نویسی از مهم‌ترین عناصر است. این شیوه‌ای است برای من که تضادهای درونی خود را بیان کنم». ناکامی در آثار پل استر فقط ضد پایان شاد نیست. در مون پالاس یا کتاب اوهام ناشی از بی‌ثباتی افراد در جایگاه هویت خود است. چهره‌های اصلی هویت خود را جستجو می‌کنند و زندگی خود را به حداقل مطلق کاهش می‌دهند. از این نقطه صفر نیروی تازه‌ای به دست می‌آورند و زندگی جدیدی را شروع می‌کنند و می‌توانند بار دیگر با محیط خود تماس بگیرند. پیشرفتی شبیه این در شهر شیشه‌یی یا موسیقی شانس دیده می‌شود. «ناکامی در این زمینه برابر با هیچ نیست، این آغاز چیزی است یکسر تازه.»